

دلایل نظامی شکست عراق در چهار عملیات ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس

حسین حمیدی نیا

سرهنگ علی صیاد شیرازی به سمت فرماندهی نیروی زمینی ارتش تأثیر به سزایی در روند جنگ و همکاری سازنده ارتش و سپاه بر جای گذاشت.

ارتش عراق به همان نسبت که در مناطق وسیعی زمین گیر شده بود، نیروهای ایران را نیز درگیر پدافند کرده بود؛ بنابراین، در انتخاب منطقه عملیاتی، اهدافی تعیین می شد که افزون بر آزادی زمین، بتواند نیرو را نیز از خطوط پدافندی آزاد کند. در عمل، با استفاده از یگان های آزاد شده ارتش از خطوط پدافندی و نیز با استفاده از سازمان روبه گسترش سپاه پاسداران، نیروهای مسلح ایران برای اجرای عملیات بر قدرتش افزودند. به این ترتیب، متناسب با رشد توان نیروی خودی، وسعت مناطق عملیاتی انتخاب شده نیز افزایش یافت آن چنان که در چهار عملیات بزرگ، استعداد به کار گرفته شده افزایش چشمگیری داشت، یعنی از ۲۵ گردان در عملیات ثامن الائمه به ۳۲ گردان در عملیات طریق القدس، ۱۳۵ گردان در فتح المبین و ۱۴۴ گردان در عملیات بیت المقدس رسید و متناسب با آن وسعت مناطق عملیاتی نیز به ترتیب از ۱۵۰ کیلومتر مربع به ۶۵۰، ۲۵۰۰ و ۵۴۰۰ کیلومتر مربع گسترش یافت.^۱

زنجیره ای بودن این عملیات ها از دیگر ویژگی آنها بود. به این معنا که اجرای هر یک از عملیات های بزرگ به موفقیت عملیات قبلی بستگی داشت. به همین دلیل، ترتیب و توالی آنها نیز بسیار مهم بود.

با این مقدمه می توان فرضیه زیر را درباره دلایل نظامی

چهار عملیات بزرگ ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس از مقاطع حساس و عملیات های اصلی دوره سرنوشت ساز جنگ هستند. برکناری ابوالحسن بنی صدر از فرماندهی کل قوا، موجب تحول در جنگ شد، یعنی نگرش به جنگ، استراتژی نظامی، فرماندهی میدان نبرد، سازمان عمل کننده، طرح ریزی و تاکتیک های به کار گرفته شده تغییر کرد و اندیشه جنگ سنتی با آموزه جنگ انقلابی در هم آمیخت. هم چنین در یک سال نخست جنگ، تداوم عملیات، به دست آوردن تجربیات، افزایش کارایی کادرها و دست اندکاران عملیات ها، توانایی جذب هرچه بیشتر نیروهای داوطلب و به کارگیری مناسب تر آنان، به تدریج زمینه های لازم را برای بهبود اوضاع جنگ و ایجاد وضعیت جدید فراهم کرد. در آن وضعیت نوین، سپاه که طی یک سال نخست جنگ بیشترین توان خود را به مسائل فرهنگی و امنیتی معطوف کرده بود، به سمت نظامیگری گرایش یافت و ضمن گسترش سازمان رزم خود، استعداد گردان های مستقل را تا سطح تیپ افزایش داد و امکان جذب انبوه نیروهای مردمی را فراهم آورد، به گونه ای که توانست در چهار عملیات مزبور، نیروی کادر و بسیجی خود را از ۲۵۰۰ تن در عملیات ثامن الائمه به شصت هزار تن در عملیات بیت المقدس افزایش دهد.^۱

با برکناری بنی صدر در سال ۱۳۶۰ تحول در مدیریت و فرماندهی ارتش به یک ضرورت تبدیل شد و انتخاب

عقبه نیروهای عراقی مستقر در منطقه عمومی بستان و سوسنگرد را می‌بستند و ضمن محاصره آنها منطقه را آزاد می‌کردند. به عبارت دیگر، این عملیات در صورت موفقیت می‌توانست در سرنوشت جنگ، تأثیر کلی داشته باشد، اما ضعف در برآورد و طراحی عملیات و نیز نداشتن شناسایی کافی از زمین و دشمن به شکست عملیات مزبور انجامید.^۳

عملیات ۳ آبان ۱۳۵۹

قرارگاه فرماندهی اروند این عملیات را طراحی و اجرا کرد، اما این عملیات نیز به دلیل تناسب نداشتن نیروهای خودی با نیروهای عراقی، بی‌تجربگی در زمینه جنگ در گرمای سوزان خوزستان، آتش سنگین نیروهای عراقی و به‌طور کلی، ضعف در طراحی و اجرا در همان روز با شکست روبه‌رو شد. هدف از این عملیات، آزادسازی منطقه شرق کارون و شکستن حصر آبادان بود.^۴

عملیات نصر (هویزه)

ارتش جمهوری اسلامی ایران طراحی و اجرای این عملیات را بر عهده داشت. براساس طرح عملیات، پیش‌بینی شده بود که لشکری ۱۶ و ۹۲ زرهی ضمن انجام تک به نیروهای عراقی در منطقه جنوب غربی اهواز، این نیروها را از پادگان حمید و جفیر بیرون کنند و در ادامه، با آزادسازی خرمشهر نیروهای عراقی را تا کناره شرقی رود دجله به عقب نشینی وادار کند.^۵ این عملیات در تاریخ ۱۵ دی ماه ۱۳۵۹ آغاز شد. هرچند توان به کار گرفته شده در این عملیات با وسعت منطقه عملیاتی و اهداف آن متناسب

شکست عراق در چهار عملیات بزرگ، عنوان کرد. تغییر در فرماندهی جنگ به دگرگونی در رویکرد نظامی ایران و انتخاب آموزه جنگ انقلابی - مردمی منجر شد. عراق این تغییر و هم‌چنین اثرات آن را برای مدتی طولانی درک نکرد. در نتیجه، تغییری در استراتژی نظامی از جمله شکل خطوط پدافندی این کشور روی نداد؛ بنابراین، شکل ویژه خطوط پدافندی آن در داخل خاک ایران مناسب‌ترین فرصت را برای نیروهای نظامی فراهم آورد تا طی چهار عملیات بزرگ پی در پی، ضربه‌های خردکننده‌ای را به ارتش عراق وارد آورند و بخش‌های وسیعی از مناطق اشغالی را آزاد کنند. به این ترتیب، دو دلیل عمده نظامی را می‌توان برای شکست‌های عراق برشمرد:

الف) انتخاب آموزه جنگ انقلابی - مردمی از سوی ایران؛ و
ب) شکل ویژه خطوط پدافندی ارتش عراق در خاک ایران.

الف) انتخاب آموزه جنگ انقلابی - مردمی

مدتی پس از هجوم سراسری ارتش عراق، ارتش ایران چهار عملیات گسترده را در چارچوب استراتژی آزادسازی سرزمین‌های اشغال شده، طرح‌ریزی و اجرا کرد که در صورت موفقیت آمیز بودن آنها، نه تنها سرزمین‌های اشغالی آزاد و مرزهای بین‌المللی در استان خوزستان تأمین می‌شد، بلکه دشمن نیز تا حومه بصره و العماره به عقب رانده می‌شد، اما در چارچوب نگاه سنتی به جنگ، ابزار کافی برای اجرای این استراتژی وجود نداشت و توان به کار گرفته شده برای نیازهای عملیاتی کافی نبود؛ بنابراین، تلاش یاد شده به نتیجه نرسید و جنگ با بن‌بست روبرو شد.

۱) تجربه ناموفق

عملیات بی‌نادری

این عملیات در تاریخ ۲۳ مهرماه ۱۳۵۹ در منطقه غرب دزفول اجرا شد. طبق پیش‌بینی انجام شده، نیروهای مسلح ایران باید از دو محور اندیمشک - دهلران و اندیمشک - چنانه - فکه به نیروهای عراقی تک می‌کردند و ضمن عقب‌راندن آنها، مرزهای بین‌المللی را تأمین می‌نمودند و با پیشروی به سمت حلفائیه و جزابه،



نمود، اما مرحله نخست عملیات با موفقیت چشمگیری اجرا شد و هشتصد تن از نیروهای عراقی به اسارت درآمدند، اما در ادامه، بر اثر فشار دشمن که از نظر سازماندهی، تجهیزات و جنگ زرهی بر نیروهای خودی برتری داشت نه تنها ادامه عملیات ناممکن شد، بلکه حفظ منطقه آزاد شده نیز به مشکل برخورد. در نهایت، با عقب نشینی بدون برنامه، غنایم به دست آمده در منطقه باقی ماند و جمعی از نیروهای مسلح کشورمان نیز شهید یا اسیر شدند.

عملیات توکل

پس از اجرای ناموفق عملیات ۳ آبان ۱۳۵۹ در منطقه عمومی آبادان، عملیات توکل با فرماندهی ستاد اروند و زیر نظر ستاد مشترک ارتش طرح ریزی و در تاریخ ۲۲ دی ماه همان سال اجرا شد. طبق پیش بینی انجام شده، یگان های خودی باید در چند مرحله از شمال شرقی آبادان تا مرز شلمچه پیش روی می کردند. مرحله نخست این

دو دلیل عمده نظامی را می توان برای

شکست های عراق بر شمرده:

الف) انتخاب آموزه جنگ انقلابی - مردمی؛

ب) شکل ویژه خطوط پدافندی ارتش عراق در خاک ایران.

عملیات از سه محور آغاز شد، اما به دلیل ناهماهنگی نیروهای هر سه محور ادامه عملیات با شکست روبه رو شد. با ناکامی مرحله نخست، اجرای مراحل بعدی عملیات نیز منتفی شد. این آخرین عملیات گسترده به شیوه سنتی بود و تا زمان برکناری ابوالحسن بنی صدر از فرماندهی کل قوا و دگرگونی استراتژی جنگ، عملیات دیگری روی نداد.

به این ترتیب، مشاهده می شود که پس از انجام چهار عملیات بزرگ و در عین حال ناموفق، آموزه جنگ سنتی صرف به بن بست رسید. تنها راه رهایی از این بن بست، با تغییر رویکرد فرماندهان و مسئولان نسبت به جنگ، امکان پذیر بود؛ بنابراین، هر چند گریزی از استراتژی آزادی سرزمین های اشغالی نبود، اما باید ابزارها و روش ها تغییر می کرد، ولی بنی صدر در مقام فرمانده کل قوا به جای به کارگیری عناصر ارتش و نیروهای مردمی و ایجاد هماهنگی لازم میان آنها تنها به نیروهای ارتش تکیه کرده

بود؛ ارتشی که پس از پیروزی انقلاب با مشکلات متعددی روبه رو بود و در مرحله انتقالی از ارتش شاهنشاهی به ارتش جمهوری اسلامی قرار داشت.

بنی صدر پس از ناکامی نبردهای پل نادری، نصر و توکل، باید عملکرد خود را در طول پنج ماه بازنگری می کرد. وی برای فرار از پاسخگویی و نیز عدم توانایی برای حل مشکل جنگ، بحران های داخلی را تشدید کرد تا با کسب موفقیت در این بحران ها سرپوش مناسبی را برای شکست هایش بیابد. وی با این اقدام، عملاً زمینه های برکناری خود را از مقام فرماندهی کل قوا و ریاست جمهوری قطعی کرد. در همین راستا، به فرمان بنی صدر ارتش از آغاز سال ۱۳۶۰ استراتژی پدافندی را در پیش گرفت.^۷ در پی این امر و به دستور رهبر انقلاب، در تاریخ ۲۱ خرداد ۱۳۶۰ وی از مقام فرماندهی کل قوا برکنار و پس از چند روز، با تصویب مجلس شورای اسلامی از مقام ریاست جمهوری نیز عزل شد.

۲) ثبات و هماهنگی

برکناری بنی صدر از فرماندهی کل قوا، استراتژی آزادسازی سرزمین های اشغالی را تغییر نداد، اما به طور کلی، دیدگاه مقامات عالی سیاسی و نظامی جنگ را درباره روش ها و ابزارها عوض کرد. تغییر در رویکرد نظامی ایران ابعاد گوناگونی داشت که در نهایت، به آزادسازی بخش های وسیعی از سرزمین های اشغالی منجر شد. این ابعاد عبارت بودند از:

گسترش سازمان رزم سپاه

تاثیرات ناشی از وحدت و یکپارچگی داخلی به افزایش حضور مردم در جبهه های جنگ منجر شد. پیش از آن، در زمان فرماندهی بنی صدر، سپاه پاسداران از تجهیزات، امکانات و توجه اندکی برخوردار بود و نسبت به آن بی مهری می شد، اما با دگرگونی شرایط، سپاه توانست توان خود را افزایش و ظرفیت به کارگیری متمرکز نیروهای مردمی را گسترش دهد و از این عامل اساسی در راستای پیش برد اهداف نظامی استفاده کند. به گونه ای که ظرف مدت دو ماه، سپاه توانست در آستانه عملیات ثامن الائمه، ۲۵ گردان رزمی را فراهم کند و در ادامه این روند، تعداد گردان های رزمی خود را در سه عملیات بعدی به ترتیب به ۳۲، ۱۳۵ و ۱۴۴ گردان افزایش دهد.^۸

همکاری و هماهنگی ارتش و سپاه

وحدت ارتش و سپاه از ویژگی‌های دیگر آموزه جنگ انقلابی - مردمی بود. در این رویکرد، زمینه‌های نزدیکی نیروهای مسلح سنتی به نیروهای مسلح انقلابی فراهم شد و ارتش با قرار گرفتن در کنار سپاه، روحیه از دست رفته خود را دوباره به دست آورد. نقطه ثقل این استراتژی را می‌توان در نوع برخورد با دشمن، بر اساس بهره‌گیری از ضعف‌های پدافندی یگان‌های عراقی دانست.^۹

افزایش نوآوری و خلاقیت در صحنه‌های جنگ

فضای بسیار مناسبی که در اثر تغییر آموزه جنگی ایران ایجاد شده بود به افزایش خلاقیت و نوآوری در صحنه‌های جنگ منجر شد. هر چند تا پیش از آن، رزمندگان از انواع امکانات، تجهیزات و ملزومات مورد نیاز در صحنه جنگ استفاده می‌کردند، اما موفق نشدند دشمن را از مناطق اشغالی بیرون کنند، ولی با تغییر اوضاع حاکم بر کشور، بار دیگر روح ابتکار و خلاقیت بر فضای جبهه‌ها حاکم شد که تغییر توازن نظامی به سود نیروهای مسلح ایران از دستاوردهای آن به شمار می‌رفت. انجام تک‌ها و حمله‌ها در تاریکی شب و خودداری از حملات جبهه‌ای و بهره‌گیری از نقاط ضعف خطوط پدافندی عراق از جمله ابتکارات و نوآوری‌هایی بود که می‌توان آنها را نتیجه انتخاب آموزه جدید دانست.

عدم درک عراق از وضعیت جدید

عراق از روند شکل‌گیری تحولات جدید که اساساً بر حضور گسترده مردم در میدان‌های جنگ و وحدت و یکپارچگی در صحنه سیاسی داخلی مبتنی بود، درک درستی نداشت. همین مسئله موجب شد تا عراق، به دلیل باور و ذهنیت نادرست خود نسبت به تاکتیک رزمندگان اسلام، غافلگیر شود و به ناچار از مناطق اشغالی عقب‌نشینی کند.

ب) شکل ویژه خطوط پدافندی ارتش عراق

شکل ویژه خطوط پدافندی عراق و دیدگاه غلط سرفرماندهی ارتش عراق در تخصیص نیرو در طول خطوط پدافندی دومین دلیل عمده نظامی بود که به شکست عراق در چهار عملیات بزرگ منجر شد. هر دو عامل یاد شده به اهداف استراتژی نظامی عراق در آغاز جنگ بازمی‌گشت. در آغاز جنگ استراتژی نظامی عراق شدیداً از نظام بین‌المللی و اوضاع داخلی و خارجی ایران متأثر بود و این شرایط در تعیین حدود و گسترده‌گی اهداف عراق، نقش مهمی را ایفا می‌کرد.

هدف اصلی عراق از تهاجم به جمهوری اسلامی ایران تصرف خوزستان و تأسیس کشوری به نام عربستان بود. با نگاهی به وضعیت داخلی ایران و اوضاع بین‌المللی به نظر می‌رسید که دستیابی به چنین هدفی صددرصد امکان‌پذیر است، اما با توجه به وسعت استان خوزستان، عراق باید



بیش از پنج لشکری که برای این کار در نظر گرفته بود نیرو و امکانات به کار می‌گرفت.^۱ در آغاز جنگ، استراتژی عراق بر دو تفکر نظامی و سیاسی استوار شده بود. براساس تفکر نظامی، منطقه میانی مرز ایران، همواره باید تأمین می‌شد تا پایتخت عراق از حمله متقابل ایران در امان باشد. براساس اندیشه سیاسی، با زدن نخستین جرقه جنگ-هرچند محدود- با پشتیبانی قدرت‌های خارجی و سود بردن از وضعیت داخلی ایران، قادسیه جدیدی انتظار می‌رفت.

در ماه‌های نخست جنگ، دو عامل ارتش عراق رامتوقف کرد: ۱) آشکار شدن تصور نادرست پیروزی

در آغاز جنگ، بر اساس استراتژی نظامی عراق منطقه میانی مرز ایران، همواره باید تأمین می‌شد تا پایتخت عراق از حمله متقابل ایران در امان باشد

برق آسا برای فرماندهان عراقی و پی بردن به عدم تناسب میان ابزار (توان ارتش عراق) و هدف‌های تعیین شده؛ و ۲) ایستادگی نیروهای ارتش در مرز با انجام عملیات تأخیری و نیروهای مردمی در شهرها. اصولاً اهداف عراق در جنگ بیشتر سیاسی بود؛ بنابراین، پیکان حمله نیروهای عراق رو به سوی شهرها و مراکز اقتصادی و جمعیتی قرار داشت. در نتیجه، ارتش عراق به سرعت به سوی شهرهای عمده پیشروی کرد و در همین راستا، به مدت چهار روز در غرب کرخه تا عمق پنجاه تا هشتاد کیلومتری (بسته به این که از چه منطقه مرزی محاسبه شود) پیش رفت، اما در خرمشهر، فاصله هفت کیلومتری تا پل نو را در هفت روز پشت سر گذاشت.^۲

به دلیل درک نادرست از اوضاع داخلی ایران و دخالت‌های قدرت‌های خارجی در نظام تصمیم‌گیری عراق، میان تدابیر و اهداف نظامی از یکسو و مقاصد سیاسی از سوی دیگر پیوند منطقی وجود نداشت.^۳ به این ترتیب، در تقسیم و تخصیص نیروها در مناطق گوناگون، اشتباه آشکاری روی داد. اختصاص پنج لشکر به جبهه میانی برای تأمین بغداد در نهایت به زمین گیر شدن آنها انجامید و ارتش عراق را در منطقه اصلی جنگ، یعنی خوزستان با کمبود شدید نیرو روبه‌رو کرد؛ امری که با اصل تمرکز قوا تناقض آشکار داشت.^۴

جدا از ایستادگی و مقاومت نیروهای مردمی در برابر

حمله ارتش عراق، اقدامات و عملیات‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران در چهار ماهه نخست جنگ و اتخاذ استراتژی پدافند پس از شکست چهار عملیات بزرگ سال ۱۳۵۹، شرایط روانی‌ای را پدید آورد که رهبران و فرماندهان عراقی تصور کردند نیروهای ایران توان بازپس‌گیری مناطق اشغالی را ندارند؛ بنابراین، مسئولان عراقی اعم از سیاسی و نظامی بدون توجه به آرایش نادرست نیروهای عراقی در خوزستان تصور کردند حضور نیروهای عراقی در مناطق اشغالی عامل مؤثری برای دستیابی به اهداف سیاسی مورد علاقه آنها خواهد بود.

مجموعه چنین عوامل و شرایطی موجب شد تا ارتش عراق که پیشروی خود را بر اساس تحلیل‌های سیاسی و استراتژیک آغاز کرده بود، پس از روبه‌رو شدن با واقعیت‌های صحنه جنگ و درک عملی مشکلات موجود آن، ضمن تعدیل اهداف استراتژی نظامی خود، در پشت خطوط پدافندی ناموزن و نامطمئن توقف کند. این امر دومین دلیل عمده نظامی شکست عراق در چهار عملیات بزرگ سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۱ بود.

با نگاهی به نقشه خطوط پدافندی عراق در منطقه خوزستان، درمی‌یابیم که ارتش این کشور به ابتدایی‌ترین اصول مربوط به جنگ در این مورد بی‌توجه بوده است. ارتش عراق بیشتر به اهداف سیاسی توجه می‌کرد تا هدف‌های نظامی؛ بنابراین، در تلاش برای کسب برتری سیاسی، به گونه‌ای پیشروی کرده بود که بتواند با حداکثر سرعت مراکز شهری و اقتصادی خوزستان را تصرف کند. با این تحلیل پیکان اصلی حملات عراق متوجه سه محور دزفول - اندیمشک، سوسنگرد - اهواز و خرمشهر - آبادان بود. در نتیجه، نخستین شکاف اصلی بین نیروهای عراقی در میان این سه محور پدید آمد. به طور کلی، با در نظر گرفتن این محورها و مناطق اشغالی در جنوب چهار منطقه عملیاتی قابل تشخیص بود: الف) منطقه شرق کارون؛ ب) منطقه غرب کارون و دشت آزادگان؛ ج) منطقه بستان؛ و د) منطقه غرب دزفول و شوش.

۱) عملیات ثامن الائمه

نیروهای عراقی در محور خرمشهر - آبادان با عبور از مرز و پیشروی به عمق خاک ایران ضمن تصرف خرمشهر از رود کارون عبور کردند و پس از رسیدن به رود بهمنشیر در شمال شرقی آبادان کوشیدند از این رودخانه نیز بگذرند و آبادان را تصرف کنند. ایستادگی نیروهای مردمی و اندیشه

یکی دیگر از ویژگی های منطقه عملیاتی شرق کارون این بود که با توجه به تکیه سرپل اشغالی به رود کارون، پس از پیروزی و عقب راندن نیروهای عراقی به طور چشمگیری از طول خطوط پدافندی کاسته شد و با تکیه به رود کارون عملاً نیروی پدافندی اندکی در امتداد کارون مستقر شد و سایر نیروها آماده عملیات بعدی شدند.

۲) عملیات طریق القدس

خطوط پدافندی عراق در منطقه عملیاتی طریق القدس، از آغاز جنگ تا آستانه اجرای این عملیات بسیار دگرگون شد. وجود محور مواصلاتی اهواز، سوسنگرد، بستان و عمق کم پیشروی نیروهای عراقی در این منطقه، همواره ذهنیت فرماندهان نظامی را برای انجام یک عملیات گسترده و تأمین مرزهای بین المللی به خود مشغول کرده بود. فاصله مواضع مقدم خودی با مرز درمقایسه با منطقه غرب دزفول و منطقه جنوب غربی اهواز و دشت آزادگان، بسیار کم تر بود. از سوی دیگر، این منطقه به دلیل داشتن موقعیت مرکزی در جبهه جنوب سبب پیوستگی سپاه چهارم و سوم ارتش عراق در شمال و جنوب خوزستان می شد. در صورتی که عراق این منطقه را در اختیار نداشت، مجبور بود ارتباط جبهه شمالی با جنوبی را با دور زدن هورالعظیم از کرانه غربی آن و با استفاده از جاده بصره، العماره، حلفائیه به تنگ چزابه یا فکه برقرار کند.

پیش از عملیات طریق القدس در طول شش ماهه نخست سال ۱۳۶۰، بیشترین تعداد تک های محدود انجام شده توسط نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در این منطقه اجرا و طی عملیات امام علی (ع) (۱۳۶۰/۲/۳۱-۱۳۶۰/۳/۵)، شهید رجایی و باهنر (۱۳۶۰/۶/۱۱) و عملیات شهید مدنی (۱۳۶۰/۶/۲۷) بخشی از سرزمین های اشغالی از جمله بلندی های استراتژیک الله اکبر در شمال غربی سوسنگرد از اشغال نیروهای عراقی آزاد شده بود.^{۱۶}

خطوط پدافندی عراق در منطقه عملیاتی طریق القدس به گونه ای بود که عراقی ها براساس اندیشه های سنتی فرماندهان عراقی و براساس تجربیاتی که در طول یک سال جنگ به دست آورده بودند، جهت تهاجم اصلی نیروهای ایرانی را یک تک جبهه ای از شرق به غرب در نظر گرفتند، بنابراین، براساس این اندیشه، مواضع و استحکامات خود را آرایش دادند. خط پدافندی اصلی ارتش عراق در این منطقه، خاک ریزی به طول ۲۰ تا ۲۱ کیلومتر بود که رأس جنوبی آن به رود نیسان و رأس شمالی آن به تپه های رملی

سنتی فرماندهان عراقی که حمله به آبادان از سوی اروندرود را ناممکن تصور کرده بودند، در نهایت، موجب حضور ناقص نیروهای عراقی در شرق کارون شد. در ماه های نخستین جنگ، خطوط پدافندی عراق در سرپل شرق کارون، منطقه ای به عرض پانزده کیلومتر در امتداد کارون و عمق پانزده کیلومتر به طرف محور آبادان - ماهشهر رادر بر می گرفت. در بخش شمالی سرپل، عمق منطقه اشغالی از پنج کیلومتر هم کم تر بود. کل منطقه عملیاتی تنها از راه دو پل شناور پی ام پی در قصبه و مارد با عقبه خود در غرب کارون پیوند داشت.^{۱۷}

اگر ایران در چنین منطقه ای به عراق حمله می کرد، نیروهای موجود عراق حتی بدون نیروی کمکی نیز به دلیل تراکم بالا در برابر آتش های توپخانه و سلاح های نیمه سنگین به شدت آسیب پذیر بودند و وارد کردن نیروهای بیشتر به آن منطقه از سوی عراق خارج از استانداردهای متعارف جنگ بود. از سوی دیگر، با توجه به محدودیت منطقه اشغالی، عراق قدرت مانور چندانی نداشت و نمی توانست در حد سپاه و لشکر، یک نیروی احتیاطی را به منطقه وارد کند و تنها قادر بود که در رده تیپ، نیروی احتیاط به منطقه شرق کارون اعزام نماید. در مقابل، نیروهای ایرانی از شرایط مناسبی برخوردار بودند؛ زیرا، در تمامی عرض جبهه (حدود پانزده کیلومتر)، از سه جهت شمال، شرق و جنوب امکان مانور داشتند و اگر نیروهای تکاور ایران تنها از محور شمالی و جنوبی هم زمان پیشروی می کردند، عرض منطقه هر یک از نیروهای حمله کننده حدود هفت کیلومتر بود که با توجه به وجود هدف در عمق کم تر از ده کیلومتر برای پیشروی نیروهای پیاده بسیار مناسب به نظر می رسید، بنابراین، گسترش نیروهای عراقی در شرق کارون باعث شد تا نیروهای ایرانی با اتخاذ تاکتیک مناسبی پیروزی چشمگیری به دست آورند.

در عملیات ثامن الائمه، با حضور ۲۵ گردان از نیروهای مردمی که توسط سپاه سازماندهی شده بودند و لشکر ۷۷ خراسان، نیروی کافی برای انجام عملیات تهاجمی فراهم شد. در پی این امر و با اتخاذ تاکتیک مناسب، نیروهای عراقی از نظر تاکتیکی غافلگیر شدند و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با پیشروی برق آسا به سوی دو پل شناور مستقر در قلب منطقه عملیاتی عملاً تمامی نیروهای عراقی مستقر در منطقه شرق کارون را به هلاکت رساندند یا اسیر کردند. طبق آمار در این عملیات، ۱۵۰۰ عراقی کشته و مجروح و در حدود ۱۸۰۰ تن نیز اسیر شدند.^{۱۸}

آتش دست کم چهار گردان توپخانه که با دو تیپ زرهی و مکانیزه دیگر تقویت می شدند پدافند می گردید.^۷

باتوجه به چنین وضعی، بررسی های انجام شده نشان داد که اجرای مانور احاطه ای در جنوب کرخه امکان پذیر نیست؛ زیرا، پهلوه های شمالی و جنوبی دشمن در این منطقه به رودخانه های کرخه و نیسان متکی بود و گسترش نیروهای عراقی به گونه ای بود که هیچ جناح باز یا ضعیفی که امکان اجرای مانور احاطه ای را برای نیروهای ایرانی فراهم آورد وجود نداشت؛ بنابراین، در منطقه جنوب کرخه، نیروهای مسلح ایران ناگزیر باید مانور رخنه ای را اجرا می کردند.

در بخش شمال کرخه، پهلوی جنوبی دشمن به رودخانه کرخه و پهلوی شمالی اش به منطقه تپه ماهورهای رملی دامنه کوه میشداغ تکیه داشت؛ بنابراین، تهدید جناح جنوبی و عقبه دشمن به دلیل وجود رودخانه کرخه ممکن نبود. زمین های رملی جناح شمالی نیز به دلیل ناممکن بودن حرکت ادوات زرهی و چرخدار غیرقابل عبور نشان می داد؛ به همین علت، نیروهای دشمن در شمال کرخه پهلوی راست خود را برای تأمین و جلوگیری از آسیب پذیری به منطقه رملی متکی کردند.

در حقیقت، کلید پیروزی عملیات طریق القدس و شکست نیروهای عراقی در همین منطقه رملی نهفته بود. تغییر محتوای استراتژی نظامی ایران که از یکسو به کارگیری نیروهای مردمی را امکان پذیر و از سوی دیگر قوه خلاقیت و نوآوری نیروهای انقلابی را شکوفا کرده بود، در تشخیص این نقطه ضعف دشمن و حداکثر استفاده از آن، نقش مهمی را ایفا کرد. سپاه پاسداران باتوجه به شناسایی های انجام شده، استفاده از معبر رملی را برای تهدید جناح دشمن در شمال کرخه و دورزدن عقبه او در غرب بستان با به کارگیری یگان های خود که از نیروهای بسیج مردمی تشکیل می شد، امکان پذیر می دانست. به همین منظور سپاه پاسداران، نیروهای بسیج مردمی را در قالب چهار تیپ پیاده شامل تیپ های امام حسین، عاشورا، کربلا و امام سجاد برای شرکت در عملیات سازماندهی کرد که از میان آنها یک تیپ سپاه به همراه یک تیپ زرهی ارتش مأمور انجام عملیات در منطقه رملی بودند. به طور کلی، سپاه پاسداران در عملیات طریق القدس، از ۳۴ گردان استفاده کرد که از این میان، ۲۹ گردان در خط و پنج گردان نیز به عنوان احتیاط در نظر گرفته شده بود.^۸

به این ترتیب، بر نیروهای دشمن در شمال کرخه، در

شمال بستان منتهی می شد. در شمال کرخه، این خط از حوالی آبادی جابر حمدان در یک خط مستقیم روبه شمال تا تپه ماهورهای رملی و غیرقابل عبور دامنه های میشداغ متشکل از یک خاکریز بلند به ارتفاع ۲/۵ متر و عرض بیش از سه متر با خاک کاملاً کوبیده و محکم شده بود. در سراسر این خط، با استفاده از کیسه های شنی، الوار، تیر آهن و ورقه های فلزی، سنگرهای جنگ افزار انفرادی و اجتماعی، پناهگاه برای نفرات و به فاصله هر صد متر یک سکوی آتش برای تانک یا نفربرهای حامل موشک مالیوتکا ساخته شده بود. این خاکریز از سمت جنوب به رود کرخه و از سمت شمال به زمین های رملی متکی شده بود. خاکریز یادشده در زمین های رملی با یک زاویه تقریباً هفتاد درجه به سمت غرب می پیچید و حدود ۲/۵ الی ۳ کیلومتر دیگر در امتداد دامنه های تپه های رملی ادامه داشت. این بخش برای تأمین هر چه بهتر پهلوی شمالی ایجاد شده بود. این خاکریز به دلیل شکل ویژه اش به خاکریز عصا معروف بود. در پشت این خاکریز که تا شهر بستان در حدود بیست کیلومتر فاصله داشت، یگان های پیاده و مکانیزه دشمن استقرار داشتند. این یگان ها به انواع جنگ افزارهای ضد زره مجهز بودند و استعداد آنها از یک تیپ تقویت شده بیشتر بود. ارتش عراق در فاصله میان این خاکریز تا شهر بستان، خاکریزهای عرضی و طولی متعددی را که به صورت مواضع پدافندی آرایش یافته بودند ایجاد کرد، تا بتواند هر گونه رخنه و نفوذی را به این منطقه چه از شرق به غرب و چه از شمال به جنوب کنترل و خنثی کند، اما جهت اصلی مواضع پدافندی متوجه شرق بود. در جلوی این خاکریز، یک میدان مین به عرض دویست متر نیز ایجاد شده بود که در آن، مین های ضد نفر، تانک و منور به کار رفته بود. در جلوی این میدان مین منظم، میدان مین نامنظمی نیز به پهنای صد متر ایجاد شده بود، کل این میدان های مین با تیر بارهای مستقر در خاکریز عصا و جنگ افزارهای سبک و چند ردیف سیم خاردار پوشش یافته بود.

مواضع اصلی پدافندی عراق در جنوب کرخه تا رود نیسان در امتداد همان خاکریز عصا شکل، با همان ویژگی ها و مشخصات و مستحکم تر از آن احداث شده بود. این خاکریز که به کناره نهر عبید متکی بود به طول چهارده الی پانزده کیلومتر به سمت جنوب تا رودخانه نیسان امتداد داشت و در پشت آن، خاکریزها و مواضع متعددی برای سازماندهی پدافند در عمق ساخته شده بود. مواضع جنوب کرخه توسط چهار تیپ پیاده مکانیزه و زرهی دشمن و

۷۵ کیلومتر و با نیروهای اندکی امکان پذیر بود. خطوط پدافندی غرب و جنوب منطقه عملیاتی نیز با تکیه بر هورالعظیم و رود نیسان به صورت قابل اعتمادی با نیروی اندکی قابل دفاع بود. به این ترتیب، بخش بزرگی از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران برای انجام عملیات بعدی آزاد شدند.

۳) عملیات فتح المبین

شکست عراق در عملیات فتح المبین به دنبال دو شکست قبلی روی داد. گسترش حضور نیروهای مردمی و هماهنگی ارتش و سپاه که در راستای استراتژی برتر نظامی ایران قابل تعریف بود، همراه با اتخاذ تاکتیک ویژه، دورزدن نیروهای عراقی و بستن عقبه‌های دشمن در تنگه عین خوش و رقابیه با استفاده از جناح‌های باز مواضع پدافندی ارتش عراق در شمال و جنوب منطقه عملیاتی، هم‌زمان با تک جبهه‌ای در جبهه شوش و دزفول سبب پیروزی در این عملیات شد. اساساً تا این زمان عراق، هنوز استراتژی نظامی جدید ایران را درک نکرده بود و خطوط اصلی این استراتژی برای سرفرماندهی ارتش این کشور مبهم بود. فرماندهان عراقی هنوز هم علت شکست‌های خود را ضعف نیروها و عدم اتخاذ تدابیر لازم در خطوط پدافندی می‌دانستند؛ بنابراین، عراق برای کسب آمادگی جهت مقابله با عملیات آتی نیروهای ایرانی دست به یک حمله تأخیری در تنگه چزابه زد که با شکست سختی

خط مقدم و عقبه آنها تک شد و هم‌زمان با درگیر شدن یگان‌های مقدم با نیروهای رخنه‌کننده، نیروهای عمل‌کننده، یگان‌های احتیاط و توپخانه دشمن را از منطقه رملی هدف حمله قرار دادند، اما مسئله اصلی این بود که وجود جاده تا نزدیکی نقطه رهایی برای حضور نیروهای پیاده و زرهی در مکان مناسب جهت آغاز حمله در منطقه رملی الزامی بود.

به این منظور، پیشنهادهای گوناگونی ارائه شد که از آن جمله می‌توان به نصب صفحه‌های فلزی ویژه فرود بالگرد که عملاً با عبور وسایط نقلیه در رمل‌ها فرو رفت اشاره کرد. سرانجام، پیشنهاد جهادسازندگی پذیرفته شد و نیروهای جهاد استان سمنان با حمل خاک رس به مناطق رملی، در نهایت اختفا کار احداث جاده را به پایان رساندند. عملیات در سی دقیقه بامداد ۸ آذر ۱۳۶۰ آغاز شد و در مدت زمان کوتاهی، نیروهای مسلح ایران با استفاده از تدبیر یادشده و حمله به نیروهای عراقی از سمت زمین‌های رملی توانستند تنگه چزابه را در عمق منطقه اشغالی تصرف کنند. انهدام نیروهای احتیاط و توپخانه دشمن در نخستین ساعت‌های حمله از دیگر ویژگی‌های این عملیات بود. تمام این پیروزی‌ها در نتیجه غافلگیری عراق از نظر تاکتیک و استفاده از زمین‌های رملی شمال منطقه نبرد به دست آمد. نیروهای ایران با پیروزی در عملیات طریق القدس خطوط پدافندی خودی را به نحو مطلوبی اصلاح کردند. از سمت شمال غربی، دفاع از بستان تنگه چزابه به عرض ۱ تا



روبه رو شد و انجام عملیات فتح المبین را ۴۵ روز به عقب انداخت.

سیستم اداره جنگ به صورت جنگ مردمی که در عملیات طریق القدس به شکل محدود و ابتدایی اجرا شد در عملیات فتح المبین، به صورت گسترده تر و کامل تر به اجرا درآمد، فرماندهی مشترک ارتش و سپاه از بالاترین تا پایین ترین رده فرماندهی به کار گرفته شد، ادغام نیروها به گونه ای انجام شد که بتوانند ضمن تکمیل نقاط ضعف یکدیگر از نقاط قوت خود به نحو مطلوب استفاده کنند. هم چنین، سازمان رزم سپاه پاسداران نیز به سرعت گسترش یافت.

منطقه عملیاتی فتح المبین شبیه یک ذوزنقه بود که قاعده بزرگ آن در امتداد بلندی های تینه تا میشداغ و قاعده کوچک آن به موازات رود کرخه قرار داشت. دو ضلع دیگر ذوزنقه باد شده یک خطی بود که به موازات جاده دهلران - اندیمشک جناح شمالی منطقه عملیاتی را تشکیل می داد و ضلع چهارم هم خطی بود که از رود کرخه تا دامنه های جنوبی میشداغ کشیده شده بود و جناح جنوبی منطقه عملیاتی را شکل می داد. اندیشه کلاسیک فرماندهان عراقی به آنها دیکته کرده بود که تلاش اصلی ایران از سمت شوش و رود کرخه انجام خواهد شد. به همین علت، ارتش عراق در این محور مواضع مستحکمی ایجاد کرده بود. هرچند آرایش نیروهای عراقی در منطقه غرب دزفول و شوش از نظر نظامی به هیچ وجه توجه کردنی نبود، به دلیل اولویت اهداف سیاسی بر نظامی، حفظ منطقه نزدیک به شهرهای دزفول، شوش و اندیمشک و هدف قرار دادن آنها برای فرماندهان نظامی و مسئولان عراقی از اهمیت بسیاری برخوردار بود.

در ۲ فروردین ۱۳۶۱، مرحله نخست عملیات در شمال غربی منطقه عملیاتی برای تصرف تنگه عین خوش با رشادت نیروهای تیپ چهارده امام حسین آغاز شد و با موفقیت به پایان رسید. به این ترتیب، یکی از راه های ارتباطی نیروهای عراقی با عقبه خود از راه جاده دهلران - اندیمشک قطع شد. مرحله دوم عملیات در ۴ فروردین همان سال، در جنوب غربی منطقه عملیاتی آغاز و با انجام فن تاکتیک نفوذی که تا آن زمان در جنگ های جهان سابقه نداشت، انجام شد و ارتباط تنگه رقابیه به منزله دومین معبر ارتباطی نیروهای عراقی با عقبه آنها قطع شد به این ترتیب، نیروهای مسلح ایرانی لشکرهای پیاده مکانیزه و زرهی را در حدفاصل میان رود کرخه و ارتفاعات تینه محاصره و بخش

بزرگی از آنها را نیز منهدم کردند.

۴) عملیات بیت المقدس

نبرد بیت المقدس را می توان شاهکار نظامی جنگ ایران و عراق دانست. پس از پایان عملیات فتح المبین، برای عراق آشکار شده بود که منطقه خرمشهر و غرب کارون هدف بعدی ایران خواهد بود. از پایان فتح المبین تا آغاز بیت المقدس تنها یک ماه فاصله بود؛ بنابراین، آماده کردن نیروهای مردمی و غیرحرفه ای در این زمان کم از جمله کارهای عجیب سپاه پاسداران بود، اما نکته بارز این عملیات، یعنی دلیل اصلی شکست نیروهای عراقی تاکتیک ویژه این عملیات (عبور از رود کارون) بود که درواقع، موجب شکست قطعی عراق و انهدام کامل نیروهای این کشور در عملیات مزبور شد.

سازمان رزم عملیات بیت المقدس

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در مجموع ۱۹۶ گردان نیرو را برای انجام عملیات بیت المقدس آماده کردند که از این تعداد، ۱۳۵ گردان به سپاه و ۶۱ گردان نیز به ارتش متعلق بودند. نسبت نیروهای خودی به نیروهای عراقی نیز دو به یک ارزیابی شد.^۹ البته، باید توجه داشت که نیروهای عراقی از لحاظ تجهیزاتی، امکانات پشتیبانی، نیروی هوایی و توپخانه از نیروهای ایرانی برتر بودند. برتری نیروهای ایرانی تنها به دلیل روحیه ناشی از انقلاب و حس میهن پرستی بود.

تاکتیک ویژه

به طور کلی، برای عملیات بیت المقدس دو راهکار پیشنهاد شد و در جلسات مشترک ارتش و سپاه، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. «این دو راهکار عبارت بودند از:

۱) تهاجم به دشمن با اتکا به جاده اهواز - خرمشهر این پیشنهاد که فرماندهان ارتش آن را بر اساس اندیشه سنتی نظامی ارائه دادند محاسن و معایبی داشت. استفاده از شبکه های جاده ای موجود در منطقه و تأمین منطقه عملیاتی با استفاده از این شبکه ها از جمله محاسن این راهکار بود. معایب آن نیز عبارت بودند از: انطباق کامل این راهکار با تلقی کلاسیک دشمن از سمت حمله و هجوم نیروهای ما از شمال به جنوب با اتکا به جاده اهواز - خرمشهر. چیزی که بیش از پیش این باور را در عراقی ها

ایشان در مانور عملیات به نقطه ثقل دشمن توجه کردند و قلب منطقه را نشانه گرفتند. با این تدبیر، سه نقطه حساس دشمن (نشوه، بصره و خرمشهر) را به خطر انداختیم. حتی نیروهایی که در دروازه‌های اهواز بودند را با خطر جدی مواجه کردیم ... ایستگاه حسینی قلب منطقه بیت المقدس محسوب می‌شد. درواقع، اگر این تدبیر، مانور و عبور از رودخانه را از عملیات بیت المقدس بگیریم چیز دیگری باقی نخواهد ماند و بطور قطع موفق نخواهد شد».^{۳۳}

نتیجه‌گیری

(۱) شکست عراق در چهار عملیات بزرگ مقطع آزادسازی مناطق اشغالی نتیجه دو عامل عمده بود، یکی انتخاب آموزه جنگ انقلابی - مردمی و دومی آرایش ناقص نیروهای عراقی در خوزستان که به پدید آمدن خطوط پدافندی آسیب‌پذیر منجر شده بود.

(۲) تغییر در رویکرد نظامی ایران پس از حذف بنی‌صدر نتایج چندی از جمله مردمی شدن جنگ، هماهنگی میان ارتش، سپاه و ادغام نیروها، افزایش خلاقیت و نوآوری در عملیات جنگی را در پی داشت که از میل بالای مشارکت در امور سیاسی و نظامی که خود، نتیجه مستقیم انقلاب بود، ناشی می‌شد.

(۳) خطوط پدافندی عراق در خوزستان بیشتر حاصل تفکر سیاسی بود تا نظامی. در نتیجه، ناقص و نفوذپذیر بودند و به هیچ وجه با اهداف نظامی عراق هماهنگی نداشتند؛ بنابراین، به مجرد تغییر آموزه نظامی ایران، مواضع عراق در مناطق اشغالی به سرعت فرو ریخت.

تقویت کرد، انجام عملیات نصر در دی ماه ۱۳۵۹ در این منطقه بود. از سوی دیگر استحکامات دشمن در راستای مقابله با تک شمالی - جنوبی نیروهای ایرانی طراحی و ساخته شده بود، بنابراین هرگونه حمله از این سمت با تلفات سنگین و صرف وقت و ضایعات فراوان همراه بود.

(۲) عبور از رودخانه کارون

این راهکار را سپاه پاسداران ارائه داد. پیچیدگی‌های مربوط به عملیات عبور از رودخانه کارون و نصب پل از جمله معایب آن بود. هم‌چنین، ضرورت سرپل‌گیری و توسعه سرپل به طور هم‌زمان نیز دشواری‌های عبور از رودخانه کارون را افزایش می‌داد. کاهش فاصله تا دستیابی به اهداف در عمق مواضع دشمن و ضعف خطوط پدافندی عراق در این منطقه از جمله محاسن پیشنهاد دوم به شمار می‌رفت. پیشنهاد نخست دقیقاً بر اساس تفکر سنتی و اصول کلاسیک جنگ طراحی شده بود. سرلشگر محسن رضایی در این زمینه می‌گوید: «متخصصین آموزش دیده مجرب و متخصصین نظامی به اتفاق می‌گفتند از رودخانه کارون نمی‌توان عبور کرد و باید تلاش اصلی از روی جاده اهواز - خرمشهر باشد».^{۳۴}

طبعاً راهکار نخست با تحلیل دشمن از جهت اصلی تلاش نیروهای ایران انطباق بیشتری داشت، طرح پیشنهادی طراحان نظامی سپاه با ویژگی عبور از رودخانه کارون علی‌رغم معایبش، به دلیل آن که مبتنی بر خلاقیت و نوآوری نیروهای انقلابی و مردمی طراحی شده بود و با اندیشه سنتی عراق نیز فاصله بسیار داشت، ضریب غافلگیری دشمن را از نظر تاکتیکی به شدت افزایش می‌داد. نیروهای جمهوری اسلامی با عبور از رودخانه در واقع برخلاف جهت آرایش اصلی مواضع پدافندی عراق به زمین منطقه عملیات وارد شدند و از کنار به دشمن حمله کردند. این اقدام روحیه نیروهای عراقی را به شدت تضعیف کرد. درباره اهمیت تاکتیک ویژه عبور از رودخانه سردار غلامعلی رشید چنین می‌گوید: «... در بررسی‌های انجام شده، ویژگی عملیات بیت المقدس مانور و عبور از رودخانه شناخته شد ... این ویژگی حاصل خلاقیت فرماندهی است؛ زیرا، این عامل است که سبب می‌شود باوجود راهکارهای دیگر، تدبیر فرماندهی سپاه عبور از رودخانه را در نظر بگیرد و بر آن تاکید کند ... به همین دلیل، نحوه مانور و عبور از رودخانه یک ابتکار عمل محسوب می‌شد که درحقیقت حاصل تفکر سردار رضایی بود.



۴) اولویت بندی عملیات های آزادسازی مناطق اشغالی منطبق با واقعیت های میدان نبرد طراحی و اجرا شد، به گونه ای که از کوچک ترین منطقه اشغالی و آسیب پذیرترین آن در شرق کارون آغاز و به مشکل ترینش در بیت المقدس ختم شد.

۵) اولویت های انجام عملیات ها به گونه ای تنظیم شده بود که هریک مقدمه عملیات بعدی بود و با انجام هریک از آنها از میزان خطوط پدافندی کاسته می شد و نیروهای آزاد شده در عملیات بعدی به کار گرفته می شدند.

۶) تاکتیک های ویژه به کار رفته در عملیات های آزادسازی، همگی عراق را از نظر تاکتیکی غافلگیر کرد. عملیات دورانی در ثامن الائمه، استفاده از زمین های رملی در طریق القدس، انجام مانورهای احاطه ای و فن تاکتیک نفوذی در فتح المبین و سرانجام حمله به قلب مواضع عراق در عملیات بیت المقدس با عبور از رود کارون همگی زائیده روح خلاق و نوآور ناشی از به کارگیری آموزه جنگ انقلابی - مردمی بود.

♦ یادداشت ها

۱. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ؛ اطلس جنگ ایران و عراق؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۹، ص ۴۴.

۲. همان.

۳. محمد جوادی پور، علی نیکفرد و سید یعقوب حسینی؛ «نبردهای غرب دزفول» هشت سال دفاع مقدس؛ ج ۱، تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳، صص ۱۳۵ - ۱۳۹.

۴. محمد جوادی پور و سید یعقوب حسینی؛ «نبردهای آبادان»، هشت سال دفاع مقدس؛ تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی جمهوری اسلامی ایران، صص ۱۵۶ - ۱۵۹.

۵. مسعود بختیاری و محمدحسن لطفی؛ «نبردهای غرب اهواز، جلد دوم»، هشت سال دفاع مقدس؛ تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی جمهوری اسلامی ایران، صص ۱۱۰ - ۱۳۷.

۶. غلامعلی رشید؛ «نگاهی اجمالی به نحوه شکل گیری و نتایج عملیاتی استراتژی آزادسازی»، ماهنامه نگاه سال دوم؛ شماره ۱۵ - ۱۶ ویژه جنگ ایران و عراق، شهریور و مهر ۱۳۸۰، ص ۱۱.

۷. همان.

۸. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ؛ پیشین، ص ۴۴.

۹. مجید مختاری و محسن رشید؛ «استراتژی نظامی ایران و عراق در آستانه عملیات ثامن الائمه»، ماهنامه نگاه؛ شماره ۱۵ - ۱۶ ویژه جنگ ایران و عراق، شهریور و مهر ۱۳۸۰، ص ۴۳.

۱۰. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ؛ پیشین، ص ۲۲، این یگان ها عبارت بودند از: لشکرهای ۳، ۹ و ۱۰ زرهی و لشکر ۵ پیاده مکانیزه.

۱۱. جواد زمان زاد؛ «عوامل موثر بر استراتژی عراق در آغاز جنگ» ماهنامه نگاه؛ شماره ۱۵ - ۱۶ ویژه جنگ ایران و عراق، شهریور و مهر ۱۳۸۰، ص ۴۱.

۱۲. همان.

۱۳. جواد زمان زاد؛ پیشین، ص ۴۱.

۱۴. محمد جوادی پور و سید یعقوب حسینی؛ پیشین، ص ۲۵۸.

۱۵. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ؛ پیشین، ص ۴۶.

۱۶. دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ گذری بر دو سال جنگ؛ انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱، صص ۹۱ - ۹۲.

۱۷. سید یعقوب حسینی، مسعود بختیاری و محمدحسن لطفی؛ «ارتش جمهوری اسلامی در هشت سال دفاع مقدس» هشت سال دفاع مقدس؛ ج ۲، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳، صص ۱۸۷ - ۲۰۱.

۱۸. همان، صفحه ۲۰۱.

۱۹. مسعود بختیاری، نصرت الله معین وزیری و مجدحسن لطفی؛ «ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس» هشت سال دفاع مقدس؛ ج ۲، تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ص ۴۹. در اطلس جنگ ایران و عراق نسبت نیروهای ایران به عراق ۱۵۰ به ۲۰۰ هزار نفر ذکر شده است.

۲۰. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ؛ از خونین شهر تا خرمشهر؛ انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۳، صص ۱۱۲ - ۱۱۳.

۲۱. همان، صفحه ۱۱۴.

۲۲. غلامعلی رشید؛ پیشین، صفحه ۱۴.